

The Iconology of the Raven Symbol in Andrea Kowch's Artwork *Soiree* Based on the Theory of Erwin Panofsky*

Abstract

Andrea Kowch, a contemporary American artist, has gained recognition for her unique style that blends symbolism and a kind of magical realism. Her art often takes on a narrative quality, delving into the realms of memory, personal concepts, and inner reflections. She is particularly known for her ability to create enchanting works of art that convey a profound sense of meaning and emotion. The main element of her works are women who interact with each other as well as with other non-human elements. Along with these women, Andrea Kowch has used the symbols of her native nature. One of the recurring symbols in her art is the raven, a bird that she draws from the natural landscapes of her homeland. In this research, the aim to analyze and interpret the symbolism of the raven in Andrea Kowch's painting titled *Soiree*. It will utilize Erwin Panofsky's iconology method, which involves a three-step approach: pre-iconographic description, iconographic analysis, and iconological interpretation. The primary question this research seek to answer is: What is the meaning and significance of the raven as a symbol in Andrea Kowch's works? Firstly, we start with a pre-iconographic description. In *Soiree* the raven is featured prominently, and it is surrounded by various elements that create a sense of intrigue and wonder. The painting invites audiences to contemplate the role of the raven in this context. Nest step is the iconographic analysis. The raven, in the context of this painting, appears as a powerful symbol. It is not merely a bird but rather a representation of something deeper. In many cultures, the raven carries connotations of mystery, magic, and even foreboding. However, in Andrea Kowch's works, the raven takes on a different role. The artist's unique perspective is influenced by her deep connection to the indigenous cultures of her homeland, particularly the Native Americans. For her, the raven symbolizes benevolence, positivity, and guidance. It serves as a guiding light, offering support for personal transformation and change. In the context of *Soiree* the raven is not a harbinger of doom but a beacon of hope and a catalyst for personal growth. Moving on to the final stage, the iconological interpretation, it must be understood that the meaning of the raven in Andrea Kowch's works goes beyond a mere visual representation. It is deeply rooted in her personal experiences, beliefs, and cultural connections and reflects her respect for the natural world and the wisdom of indigenous cultures. In *Soiree* the raven's presence signifies a harmonious

Citation: Hosseinzadeh, Elham; Nazeri, Afsana (2024). The iconology of the raven symbol in Andrea Kowch's artwork *Soiree* based on the theory of Erwin Panofsky, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(4), 91-102. (in Persian)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

Received: 9 Nov 2023

Received in revised form: 14 May 2024

Accepted: 10 Aug 2024

Elham Hosseinzadeh¹ iD

Master of Painting, Department of Painting, Faculty of Visual Arts, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

E-mail: e.hosseinzadehpainter@gmail.com

Afsaneh Nazeri² iD (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Painting, Faculty of Visual Arts, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

E-mail: a.nazeri@au.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.367715.667205>

relationship with nature and a celebration of the cyclical nature of life. It encourages viewers to embrace change and personal growth, just as the raven symbolizes the artist's own journey of cultural discovery and self-realization.

Keywords

Andrea Kowch, Erwin Panofsky, Iconography, *Soiree*, Raven Symbolism

*This article is extracted from the first author's master thesis, entitled: "Iconological study of the symbols of the raven and fire in the artworks of Andrea Kowch based on Panovsky's theory" under the supervision of the second author at the Isfahan University of Art.

شمایل‌شناسی نماد کلاغ در اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ بر اساس نظریه اروین پانوفسکی*

چکیده

بانوی نقاش معاصر آمریکایی، آندره آکوچ، که با نمادگرایی و نوعی رئالیسم جادویی شناخته شده است؛ غالباً با نقاشی‌های روایت‌گونه و داستانی به ترسیم خاطرات، مفاهیم و دغدغه‌های ذهنی خویش می‌پردازد. عنصر اصلی آثار وی زنانی هستند که با یکدیگر و هم‌چنین با دیگر عناصر

غیرانسانی در تعامل هستند. کوچ در کنار این زنان به کرات به بازنمایی طبیعت سرزمین مادری خویش چون مزارع، دشت‌ها، حیوانات و پرندگان از جمله کلاغ بنحوی نمادین در آثارش به ویژه نقاشی مهمانی عصرانه پرداخته است. این پژوهش بر آن بوده است که با بهره‌گیری از مراتب سه‌گانه شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی به توصیف پیشاشمایل‌نگارانه، تحلیل شمایل‌نگارانه و تفسیر شمایل‌شناختی نماد کلاغ، در این اثر به این پرسش‌ها پاسخ دهد که معنا و مفهوم و سبقه نماد کلاغ در اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ چیست؟ و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن کدام است؟ این پژوهش با استفاده از اسناد مکتوب و مشاهده و اینترنتی گردآوری و با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش مبین آن است که، کلاغ برخلاف سویه‌نه‌چندان مثبت در اقوام مختلف، در اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ با توجه به نگاه هنرمند که وامدار فرهنگ بومیان سرزمین خویش (سرخپوستان) است، نماد خیر و مثبت و راهنمایی نویدبخش است که انسان را در جهت تغییر و دگرگونی در مسیر شخصی خویش یاری می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

آندره آکوچ، اروین پانوفسکی، شمایل‌شناسی، مهمانی عصرانه، نماد کلاغ

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

الهام حسین‌زاده^۱: کارشناس ارشد رشته نقاشی، گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: e.hosseinzadehpainter@gmail.com

افسانه ناظری^۲ (نویسنده مسئول): دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

E-mail: a.nazeri@au.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.367715.667205>

استناد: حسین‌زاده، الهام؛ ناظری، افسانه (۱۴۰۳)، شمایل‌شناسی نماد کلاغ در اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ بر اساس نظریه اروین پانوفسکی، نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۹(۴)، ۹۱-۱۰۲.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

نگارنده(گان) ©



* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «خوانش شمایل‌شناسانه نمادهای کلاغ و آتش در آثار آندره آکوچ از منظر اروین پانوفسکی» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه هنر اصفهان ارائه شده است.

مقدمه

کلاغ در بسیاری از آثار آندره آکوچ^۱، از جمله در اثر مهمانی عصرانه حضور دارد. دسته‌های کلاغ، از جمله نمادهای آشنای زادگاه کوچ، دیترویت^۲ می‌شیکان^۳ است. حضوری پررنگ و مهاجم که در آثار کوچ، برای مخاطب دلهره‌آورند. درست به مانند صحنه آخر فیلم پرنده‌گان^۴ آلفرد هیچکاک^۵؛ تهاجمی که بدون شک می‌بایست خویش را از چنگالشان رهنماید. لکن زن‌های آثار آندره آکوچ، برخلاف انتظار، از کلاغ‌ها نه می‌هراسند و نه فرار می‌کنند و در آرامشی معماگونه به کار خویش ادامه می‌دهند و این کنجکاو را برمی‌انگیزانند که کلاغ برای آندره آکوچ واجد چه مفهومی است؟ هم‌چنین با بهره‌گیری از روش شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی^۶ در تلاش برای پاسخگویی به این پرسش‌ها بوده است:

۱. کلاغ در اثر مهمانی عصرانه^۷ آندره آکوچ چگونه ترسیم شده است؟
۲. نماد کلاغ با توجه به متون ادبی، دینی و افسانه‌های فولکلور و هنرهای تجسمی چه معنایی را در این اثر به دوش می‌کشد؟
۳. زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تأثیرگذار بر جهان‌نگری هنرمند کدامند؟ و در این راستا در مقاله پیش‌رو ضمن طرح مبانی نظری پانوفسکی، به توصیف، تحلیل و تفسیر نماد مزبور پرداخته شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از نظریه شمایل‌شناسی انجام پذیرفته است. ابتدا نظریه شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی شرح داده می‌شود. و در ادامه اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ با استفاده از این روش مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد. هم‌چنین در بخش تفسیر شمایل‌شناسانه به نگرش ساکنان فعلی و هم‌چنین ساکنین اولیه دیترویت، سرخوستان پرداخته شده است. روش یافته‌اندوزی با استفاده از اسناد مکتوب (کتابخانه‌ای-اینترنتی) و مشاهده مستقیم بوده است.

پیشینه پژوهش

عباس صفاری (۱۳۸۸) در کتابی تحت عنوان کلاغ‌نامه به بررسی نماد کلاغ در فرهنگ‌های مختلف و آثار ادبی جهان پرداخته است. (جمیز هال (۱۹۱۷) در کتاب فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب به توصیف نمادهای مختلف در فرهنگ‌های مختلف جهان پرداخته است. (هانیه شیخی نارانی و دیگران (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «نشانه‌شناسی پرنده، کلاغ» به بررسی نماد کلاغ در فرهنگ‌های مختلف، علی‌الخصوص در فرهنگ باستانی ایران و هم‌چنین اشعار ایرانی پرداخته‌اند. کارن الیزابت بوکویک^۸ (۲۰۰۴) به راهنمایی پروفیسور سوزان میهالشیک^۹ در کالج بوستون^{۱۰} در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان حقیقت و نمادگرایی: دیدگاه‌های اسطوره‌ای گرگ و کلاغ^{۱۱} به بررسی نمادهای گرگ و کلاغ در فرهنگ‌های مختلف دنیا پرداخته است.

حامد صدقی و مرتضی زارع برمی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق»، به اشعار حسن السنید پرداخته‌اند و هفت گروه از نمادهای به‌کاررفته، من جمله نمادهای حیوانی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. کلاغ در اشعار وی، نمادی از بدبختی و نحوست است و در فرهنگ عراق، نمادی از فضای دلگیر گورستان است. عاطفه اثنی‌عشری^{۱۲} (۱۴۰۰) در مقاله «مقایسه تطبیقی فرم‌شناسی و نمادشناسی نقوش پرنده بر روی سفال‌های پیش از تاریخ و سفال‌های دوره اسلامی

در ایران» به بررسی اعتقادات، باورها در رابطه با نقوش پرنده‌گان در دوره پیش از تاریخ و دوره اسلامی در ایران و هم‌چنین نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها پرداخته، یکی از این نمادها، کلاغ است که در این مقاله کلاغ زیرک است و نیز به ترس ایرانیان از این پرنده اشاره کرده است. و هم‌چنین کلاغ را پیک الهی و رابط بین انسان و خدایان معرفی می‌نماید. نجمه دستغیب و سید جواد ظفرمند (۱۳۹۵) در مقاله «مطالعه تطبیقی نقوش پرنده در سفالینه‌های ایران و دوره عباسی و سفال‌های چین (مربوط به قرن ۹ میلادی)» به ویژگی‌های نقوش پرنده در سفالینه‌های قرون اولیه اسلامی در ایران و هم‌چنین تأثیر نقوش چینی بر سفالینه‌های این دوران پرداخته‌اند. در این مقاله نیز کلاغ پیک الهی معرفی شده است و هم‌چنین در آن دوران کلاغ، نماد آب بوده است و هم‌چنین به نحوست آن نیز اشاره شده است. عفت السادات افضل طوسی و مریم حسن‌پور (۱۳۹۱) در مقاله «نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران» به نمادهای زیبایی‌شناسی میترائیسم و زرتشتی تأثیرگذار در دوران اسلامی ایران می‌پردازند. از جمله نماد کلاغ در میترائیسم که نماد مهربانی است و اوست حامل پیام خداوند برای انسان‌ها. رحیم کوشش و فاطمه مدرسی (۱۳۹۷) در مقاله «مفاهیم رمزی، تمثیلی و نمادین پرنده‌گان در رباعیات و قصاید عطار» به بررسی مفاهیم نمادین پرنده‌گان در اشعار عطار پرداخته و از آن میان زاغ را مورد توجه قرار داده و آن را پرنده‌ای غماز و حسود برشمرده‌اند. اسماعیل تاج‌بخش و آسیه فرجی قرقانی (۱۳۸۸) در مقاله «کلاغ در ادب فارسی» به ویژگی‌های کلاغ در متون عرفانی، دینی و امثال و حکم پرداخته‌اند. اکمل آخمتوویچ جومایف^{۱۳} (۲۰۱۴) در مقاله «تصویرکلاغ در میان مردم آلمان و ازبک»^{۱۴} بر شباهت‌های خاص دیدگاه مردم جهان در مورد کلاغ تمرکز دارد. به‌خصوص در افسانه‌های آلمانی و ازبکی، و با به تصویر کشیدن کلاغ در جایگاه مثبت و منفی، این پرنده مورد تحلیل قرار گرفته شده است.

کتاب، مقالات و تحقیقات حاضر، در راستای این مقاله برای نگارنده راه‌گشا بوده‌اند. مقالات بسیاری درباره نماد کلاغ و هم‌چنین مقالاتی چند با روش شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی به رشته تحریر درآمده‌اند اما وجه تمایز این پژوهش مطالعه وجه نمادین کلاغ در اثر مهمانی عصرانه آندره آکوچ از منظر اروین پانوفسکی می‌باشد؛ که تاکنون بدان پرداخته نشده است.

مبانی نظری پژوهش

واژه «ICON» یا «شمایل» که در زبان یونانی (EIKON) به معنای تصویر و باز نمود می‌باشد که هر تصویر را شامل می‌گردد و تنها به نقاشی اختصاص نداشته و شامل مجسمه و خوشنویسی نیز می‌باشد. ریشه «logy» در واژه شمایل‌شناسی «iconology» نیز از واژه «logos» از زبان یونانی مشتق شده و به معنی شناختن می‌باشد (نصری، ۱۳۹۱، ۸). به عبارت دیگر شمایل‌شناسی، نوعی روش مطالعه هنری محسوب می‌گردد که مضامین و معانی آثار هنری را مورد بررسی قرار می‌دهد (پانوفسکی، ۱۳۹۵، ۳۵ و ۴۱). انجمن واربرگ در آلمان قبل از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و با رهبری ایمی واربرگ^{۱۵} تلاش برای ایجاد ارتباط میان هنر، تمدن، و تاریخ هنر با رویکرد شمایل‌شناسانه انجام شد که با تأثیر اروین پانوفسکی و ترکیب مطالعات ارنست کاسیرر^{۱۶} و واربرگ، نقدهای نوینی به تاریخ هنر و شمایل‌شناسی ارائه شد (نصری، ۱۳۹۱،

۱۰). خوانش تصویر در شمایل‌شناسی، مراتبی سه‌گانه را طی می‌کند:

- توصیف پیشاشمایل نگارانه^{۱۶}

- تحلیل شمایل نگارانه^{۱۷}

- تفسیر شمایل‌شناسانه^{۱۸}

در روش شمایل‌شناسی، محتوا در مقابل فرم قرار می‌گیرد و محتوا مورد تمرکز قرار می‌گیرد. و در واقع به دنبال نمادها و دلالت‌های پنهان است (نصری، ۱۳۹۱، ۱۲). در نهایت شمایل‌شناسی روش تفسیر در تاریخ فرهنگ و تاریخ هنر است که پیش‌زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی موضوعات و الگوها را در هنرهای دیداری آشکار می‌نماید (Van Straten, 1994, 12).

نماد کلاغ

فرهنگ‌نامه آکسفورد^{۱۹} کلاغ را پرندۀ ای از رده مهره‌داران، خونگرم و تخم‌گذار با پر و منقار معرفی می‌نماید (URL1). و هم‌چنین فرهنگ‌نامه کمبریج^{۲۰} نیز این حیوان را پرندۀ سیاه و بزرگ با صدای بلند ناخوشایند تعریف می‌کند (URL2). نماد کلاغ در دسته‌بندی شوالیه^{۲۱} دارای جنبه‌های نمادین دوگانه است. «در تأویل‌های اسطوره‌شناختی رنگ سیاه دارای معنای نمادین رمز و راز، امر ناشناخته، مرگ، عقل، نیروی شر و اندوه است» (پارسانسب و معنوی، ۱۳۹۲، ۷۴).

در روان‌شناسی نماد کلاغ، نشانی از نحوست است. مفهومی که در دوران اخیر و عمدتاً در اروپا رایج بوده است. مفهومی که به‌عنوان پیام‌آور مرگ نیز در هند وجود دارد. اما در چین و ژاپن کلاغ نمادی از حق‌شناسی نسبت به والدین است. در ژاپن نمادی از عشق و پیک الهی و در چین، کلاغ، پرندۀ خورشید است که نور را به دنیا تقدیم داشته است. هم‌چنین در یونان باستان، کلاغ نمادی از خورشید و پیک الهی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴، ج. ۴، ۵۸۱). در بعضی از افسانه‌ها نیز کلاغ در مقام پیشگو، عمل می‌نماید (همان، ۵۸۲). هم‌چنین کلاغ نمادی از تنهایی است. درواقع نوعی تنهایی خودخواسته برای فردی که می‌خواهد در جایگاهی بالاتر زندگی کند و از سوی دیگر نمادی از آرزوست. کلاغ به‌سان دیگر پرندگان سیاه رنگ در قصه‌های غرب و شرق، نمادی از ذکاوت و هوش است و به اراده خویش بر سرنوشت آدمی تأثیرگذار است (شیخی نارانی، ۱۳۹۵، ۱۲).

در قرون وسطی به دلیل خرافات و ترس از ناشناخته‌ها، این پرندگان سیاه به همان شکلی که گربه‌های سیاه با جادوگران مرتبط شدند، به‌عنوان نمایندگان شیطان در نظر گرفته می‌شدند. همان‌طور که کشیشان و دیگر رهبران «نور» را ستایش می‌کردند به انسان‌ها هشدار می‌دادند که از تاریکی دوری کنند، کلاغ قربانی ناخواسته عادت جامعه به دریافت آموزه‌های دینی به معنای واقعی کلمه شد. بسیاری از خرافات صدها سال پیش هرگز نمرده‌اند و هنوز هم امروزه در جامعه مدرن رایج هستند. افسانه‌های مبتنی بر حضور شیطانی کلاغ هزاران سال است که در سنت غربی وجود داشته و از طریق نسل‌ها منتقل شده است. داستان‌های عامیانه باستانی ادعا می‌کنند که کلاغ‌ها می‌توانند بوی مرگ را از دیوارهای خانه حس کنند و پرواز کلاغی به داخل خانه یا نشستن روی آن نشان می‌دهد که کسی که در آنجا زندگی می‌کند، به‌زودی خواهد مرد. یک افسانه انگلیسی می‌گوید که اگر کلاغ‌های ساکن در برج لندن پرواز کنند، سلطنت فعلی پادشاه یا ملکه در آینده بسیار نزدیک به پایان خواهد

رسید. تا به امروز، بال‌های کلاغ‌های برج لندن را بریده‌اند تا آن‌ها را در محوطه برج، زندانی نگه دارند (Bukowick, 2004, 21).

آندره‌آ کوچ

آندره‌آ کوچ نقاش معاصر آمریکایی متولد سال ۱۹۸۶ در دیترویت میشیگان به دنیا آمد که در حال حاضر در همان جا به‌عنوان یک نقاش تمام‌وقت و استاد کمکی در کالج هنرهای خلاق^{۲۲} به کار و زندگی مشغول است. از او به‌عنوان یک هنرمند جوان نوظهور یاد می‌کنند که نقاشی‌هایش مملو از سمبول‌های فرهنگ سرزمینی خویش است. وی اولین جوایز خود را در زمینه هنر در سن ۱۷ سالگی دریافت نمود. او دارنده هفت مدال طلای منطقه ای و سه مدال طلا در سطح ملی می‌باشد. کوچ هم‌چنین برنده جایزه ملی هنرهای تجسمی در آمریکا است که تنها به دو درصد از استعدادهای جوان در آمریکا تعلق می‌گیرد (URL3). آثار آندره‌آ کوچ در نظر اول کاملاً واقع‌گرا هستند، اما با حضور نمادهای گوناگون و فضای وهم‌انگیز مخاطب را به اعجاب یک جادویی فراتر از واقعیت می‌کشاند. در آثار وی، با یک فضای کلی از لحظات یخ‌زده روبه‌رو گشته و فضایی جادویی با شخصیت‌های زن عجیب با چهره‌های یخ‌زده، با روابط خواهرانه‌شان بر مناظر خشن اطرافشان غالب آمده و بیننده را مجذوب خود می‌سازند. دورهمی‌ها، دسته‌های پرندگان و حشرات، طبیعت و مناظر روستایی، نمادهایی هستند که می‌توان در آثار وی مشاهده نمود (URL4).

توصیف پیشاشمایل نگارانه

در مرحله پیشاشمایل نگارانه، توصیف صرف و کاملاً ظاهری در اثر هنری مورد نظر قرار می‌گیرد. در این مرحله، تنها موضوع اولیه، طبیعی و قابل لمس مورد نظر است و اشیاء و رویدادهای روزمره مورد توجه قرار می‌گیرند (ضمیران، ۱۳۹۳، ۲۱۴-۲۱۵).

کلاغ در اثر مهمانی عصرانه (Soiree) (تصویر ۱) به واسطه نوع رنگ‌گذاری متمایز و هم‌چنین نوع ترکیب‌بندی اثر، نقش اصلی را بازی می‌کند و کانون توجه مخاطب را در ابتدا به خود جلب می‌نماید. بدین سبب در این پژوهش، این اثر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

مهمانی عصرانه در سال ۲۰۱۲ با تکنیک اکریلیک روی بوم در ابعاد ۹۱×۶۱ سانتی‌متر، خلق شده است. آندره‌آ کوچ در این اثر از عناصر طبیعت سرزمین مادری خویش بهره جسته است. لکن این عناصر در نقاشی‌های وی وجوهی نمادین دارند. نمادهایی چون؛ ابر، مناظر روستایی، سگ، خانه و درختان و پرندگان (URL4). در توضیح ظاهری اثر از نظر تکنیکی و رنگ‌گذاری و ترکیب‌بندی، انتخاب رنگ‌های خاموش منعکس‌کننده محیط طبیعی و سایه‌های قهوه‌ای، خاکستری و سبز بر چشم‌انداز اثر غالب است. هم‌چنین لباس زنانه ترکیبی از رنگ‌های بژ و قهوه‌ایست که با محیط اطراف به‌صورت هماهنگی ترکیب گشته است و هم‌چنین پره‌های سیاه کلاغ‌ها حس متضادی را در پس‌زمینه آرام اثر ایجاد می‌کنند.

نوع ترکیب‌بندی، به‌واسطه تعامل زن با کلاغ‌ها وجهی روایت‌گونه به خود گرفته است. یکی از نقاشان مورد توجه آندره‌آ کوچ، نقاش فقید هموطنش، اندرو وایت^{۲۳} است. که به عینه می‌توان ردپای تأثیر نقاشی زمین‌های زمستانی^{۲۴} (تصویر ۴) وایت را چه از نظر انتخاب مناظر طبیعت و عنصر مشترک (حضور کلاغ) و چه از نظر انتخاب رنگ‌ها در اثر مهمانی



تصویر ۲. آواز کلاغ‌ها^{۲۶}، آندره آکوچ، اکریلیک روی بوم، ۹۱×۱۲۱ سانتی‌متر، ۲۰۱۲. مأخذ: (URL6)



تصویر ۳. مهمانان^{۲۷}، آندره آکوچ، اکریلیک روی بوم، ۱۵۲×۱۲۱ سانتی‌متر، ۲۰۱۲. مأخذ: (URL5)

پرداخته می‌گردد (اخوان مقدم، ۱۳۹۷، ۸۷). کوچ از دوران کودکی، با دنیای داستان‌ها و افسانه‌ها عجین بوده است، او این گونه اذعان دارد که: «من در کودکی عاشق افسانه‌ها بودم و هنوز هم هستم. آن‌ها امکان فراری بودند به دنیایی رمانتیک، اسرارآمیز و جادویی. تأثیر این داستان‌ها با شخصیت‌ها و موضوعات عجیبشان در آثارم مشهود است. جنبه‌های

عصرانه کوچ جست (URL4).

در مهمانی عصرانه کوچ، گویی حال و گذشته درهم تنیده‌اند! حضور عناصر و اشیاء طبیعت‌گرایانه و در عین حال ناهمگون و غیرمعمول در کنار یکدیگر، فضایی رازآلود و تمثیل‌گونه را رقم می‌زند؛ همچون حضور نامتعارف و همزیستی غریب کلاغ‌ها در کنار زن در این اثر که فضایی اعجاب‌آور و گاهی هراسناک را به‌نمایش گذاشته‌اند، که این نقاشی را در زمره آثار رئالیسم جادویی^{۲۵} قرار داده‌اند (آن باورز، ۱۳۹۹، ۱۲).

در اثر مهمانی عصرانه در نقطه کانونی و مرکز تصویر دختری با چهره‌ای آرام، متفکر و پریده رنگ دیده می‌شود؛ که بی‌شباهت به شخصیت‌های زن سایر نقاشی‌های هنرمند و تصویر خودش نیست. دختر جوانی که ظاهراً در یک بعد از ظهر تابستانی با سگش به پیک نیک آمده و به‌نحوی غیر معمول با انبوهی از کلاغ‌های سیاه احاطه و هم‌نشین شده است.

نقاش، صحنه پیک‌نیک را در دامنه کوهستانی مشرف به زمین‌های روستایی با نمایی از خانه‌ای خاکستری رنگ در دوردست (در پس‌زمینه حاشیه سمت راست تابلو) به‌نمایش درآورده است. خانه‌ای با معماری مشابه با خانه‌های سایر نقاشی‌هایش با دو درخت در سمت چپ و یک درخت در سمت راست تابلو. هم‌چنین کتابی با صفحه‌باز و اوراق پراکنده در باد که در سمت راست دختر قرار دارد و دو کتاب دیگر که در سمت چپ تصویر بر روی سبد به‌چشم می‌خورد.

نقاشی نشانگر تنهایی و انزوای دختر جوانی است که، با حضور سگی کوچک و میهمانانی که گویا ناخوانده هم نیستند، مرتفع شده است. به نظر می‌رسد، ممکن است هر لحظه حضور کلاغ‌های سیاه هر لحظه بر تعدادشان در اثر افزوده می‌شود؛ حرکات بی‌قرار سگ کوچک (در پیش‌زمینه) در مواجهه با آشفتنگی به‌وجود آمده و پویایی صحنه با وضعیت و حالت آرام و خونسرد دختر جوان که فنجان در دست دارد و با دست دیگر در حال پذیرایی از یکی کلاغ‌هاست، در تضاد است. تضادی که نشان از معنایی دارد که هنرمند درصدد القای آن است. گویا آسمان نیز با ابرهای خاکستری در بالای خط مورب افق نیز آبیستن باران و پیغام آور تغییر و دگرگونی قریب‌الوقوع است.



تصویر ۱. مهمانی عصرانه، آندره آکوچ، اکریلیک روی بوم، ۹۱×۶۱ سانتی‌متر، ۲۰۱۲. مأخذ: (URL5)

تحلیل شمایل‌نگارانه

در تکمیل توضیح کارکرد تحلیل شمایل‌نگارانه به بررسی بن‌مایه‌های هنری اثر هنرمند در رابطه با مفاهیم و موضوعات و داستان‌ها و تمثیل‌ها



تصویر ۴. زمین‌های زمستانی، اندرو وایت، تمپرا روی نخته، ۱۰۵×۴۴۵ سانتی‌متر، ۱۹۴۲. مآخذ: (URL7)

ناشناخته آثارم باعث می‌شوند که کل داستان برملا نشود. شاید به همین دلیل است که نقاشی‌های من اغلب حسی مشابه دارند. همیشه جنبه‌ای از چیزی ناشناخته وجود دارد. داستان هرگز به‌طور کامل فاش نمی‌شود، به سادگی ادامه می‌یابد (URL8).

در اثر مهمانی عصرانه آندره کوچ فضایی روایت‌گونه جریان دارد که با حضور کلاغ‌ها این فضای داستانی غنی‌تر می‌گردد. نماد کلاغ به‌عنوان یکی از نمادهای پرتکرار در آثار ادبی و هم‌چنین در حکایات فولکلور و متون مقدس، حضوری قوی و قابل توجه دارد.

کلاغ در متون ادبی یک عنصر چند بُعدی است که نمایانگر مفاهیم مختلفی است. این نماد می‌تواند اشاره به حکمت و ذکاوت، تغییر و تحول، رمز و راز یا حتی مرگ و انتقال به دنیای دیگر داشته باشد.

یکی از متون ادبی مشهور که در آن کلاغ نقشی کوچک اما تأثیرگذار دارد، داستان مزرعه حیوانات^{۲۸} جورج اورول^{۲۹} نویسنده مشهور انگلیسی قرن بیستم است. اورول این کلاغ را موسی نام نهاده که با نظر به پیشینه اسطوره‌ای کلاغ متناسب است. در این داستان، موسی همدم و شخص مورد اعتماد دامدار است که به غیر از جاسوسی و خبرچینی در نقشی مشابه یک کشیش به دام‌ها وعده بهشت می‌دهد (صفاری، ۱۳۸۸، ۵۳). هم‌چنین کلاغ در داستان هفت کلاغ^{۳۰} برادران گریم^{۳۱} نمادی از نفرین است. داستان زوج پیری است که هفت پسر دارند. آن‌ها تقریباً امید به داشتن یک دختر را از دست داده‌اند، اما سرانجام دختری ضعیف و بیمار به دنیا می‌آورد. این زوج تصمیم گرفتند او را غسل تعمید دهند و پدر، هفت برادر دختر را برای آوردن آب به سوی چاه می‌فرستد. هفت برادر رهسپار چاه می‌شوند تا آب بیاورند اما آنقدر دیر می‌کنند که پدر نفرینشان می‌کند و هفت برادر تبدیل به کلاغ می‌شوند. دختر بزرگ می‌شود، و از وضعیت برادران خود مطلع شده و به دنبال شان رهسپار می‌گردد و سرانجام با فراز و نشیب‌های بسیار برادران را یافته و نفرین چندین ساله‌شان را باطل می‌کند و آن‌ها بار دیگر انسان می‌شوند (URL9).

ازوپ^{۳۲} داستان‌نویس یونانی بین سال‌های ۶۲۰ تا ۵۶۴ قبل از میلاد می‌زیست، و اگرچه هیچ یک از افسانه‌های او در آن زمان مکتوب نشد، داستان‌های بسیار محبوب او دهان به دهان تا به امروز منتقل شده‌اند. یکی از داستان‌های معروف آن این است که کلاغ تکه‌ای پنیر را پیدا می‌کند و روی شاخه‌ای می‌پرد تا آن را بخورد. روباه تصمیم می‌گیرد که پنیر را با چاپلوسی و تعریف از زیبایی کلاغ از او بگیرد و در آخر از او می‌خواهد آواز بخواند تا ببیند که آوازش نیز همانند چهره‌اش زیباست یا نه؟ کلاغ مبهوت چاپلوسی روباه شده و دهانش را باز می‌کند که آواز بخواند و پنیر می‌افتد و نصیب روباه می‌شود. داستان روباه و کلاغ در فرانسه بسیار محبوب بود و

اولین بار در مجموعه افسانه‌های کلاسیک ژان دو لافونت^{۳۳} آمده که بین سال‌های ۱۶۶۸ تا ۱۶۹۴ منتشر شد (Flaherty, 1992, 26).

هم‌چنین ویلیام شکسپیر^{۳۴} نویسنده شهیر انگلیسی، نگاهی منفی نسبت به کلاغ دارد و بسیاری از ارجاعات وی به کلاغ در نمایشنامه و اشعارش با نگاه اروپایی شر و نحوست کلاغ به‌طور واضح هم‌خوانی دارد. وی در نمایشنامه مکبث^{۳۵} با اشاره به صدای گوش‌خراش کلاغ، خبر از مرگ پادشاه می‌دهد (Bukowick, 2004, 7). ادگار آلن پو^{۳۶} شاعر و نویسنده آمریکایی قرن ۱۹ بود که در عمر کوتاه خویش، آثاری با مضامین عشق، مرگ، الکلی و فقر به نظم و نثر درآورد (دهقانی، ۱۳۷۱، ۷۰۱). شعر کلاغ وی داستان مردی تنها را روایت می‌کند که با کلاغی در حال مکالمه است. آلن پو در این شعر، غم و درد مرگ جانکاه همسرش را در قالب نماد کلاغ به‌نمایش درآورده است (Masser, 2016, 12). از دیگر اشعاری که می‌توان به نوعی نماد کلاغ را در آن جست شعر سیزده روش برای نگرستن به مرغ سیاه^{۳۷} اثر والاس استیونز^{۳۸} شاعر آمریکایی است. در سرتاسر شعر، مرغ سیاه نقش‌های نمادین مختلفی را به عهده می‌گیرد که نمایانگر جنبه‌های مختلف ادراک، آگاهی و تجربه انسان است. نمادی اسرارآمیز و مرموز، همیشه در حال تغییر و نحوه درک و تفسیر ما از جهان اطراف است. شعر استیونز در نهایت خوانندگان را به تأمل در پیچیدگی‌های ادراک و ماهیت چندوجهی خود واقعیت دعوت می‌کند. مرغ سیاه به‌عنوان یک نماد در تحقیقات عمیق فلسفی و زیبایی‌شناختی عمل می‌کند و خوانندگان را بر آن می‌دارد تا راه‌های متفاوتی را که از طریق آن می‌توان جهان را مشاهده و تفسیر نمود، در نظر بگیرند (URL10). نماد کلاغ در متون دینی دارای معانی و نقش‌های گوناگونی است. در متون دینی این پرند نقش مهمی ایفا می‌کند.

در تورات کلاغ، نمادی از خیر و برکت است. به‌طوریکه در قحطی، خداوند بر ایلیا^{۳۹} نوید غذا می‌دهد که از طریق کلاغ‌ها، به او می‌رسد (مک‌آرتور، ۲۰۲۰، ۵۲۹). کلاغ نیز در متون دینی نماد مال‌اندیشی و هوشیاری است. او بعد از طوفان نوح مامور می‌گردد تا تحقیق کند که آیا زمین از زیر آب‌ها درآمده یا خیر (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴، ۵۸۱). هم‌چنین کلاغ را یاور حضرت نوح معرفی شده و از او به‌عنوان پیام‌آور یاد می‌گردد. هم‌چنین در این کتب کلاغ‌ها و کرکس‌ها نجس هستند و باید از خوردن آن‌ها اجتناب نمود. در واقع کلاغ به واسطه کارهایی که از او سر می‌زند می‌تواند مصداقی از کارهایی باشد که نمی‌بایست یک بنده خوب انجام دهد و رذایل اخلاقی چون حرص و طمع، خوردن مردار و نیرنگ و خودخواهی که در کلاغ دیده می‌شود را از خود دور نماید (همان، ۵۸۲). در کتاب قدیسین، کلاغ به‌عنوان یاری‌دهنده انسان معرفی می‌شود. این داستان در قرن پنجم میلادی روایت می‌شود، که یک کشیش حسود و بدجنس به نام فلورنتیوس^{۴۰} تصمیم می‌گیرد برای بندکت قدیس^{۴۱} که پیروان بسیاری داشته، یک قرص نان زهرآلود ارسال کند. بندکت قدیس به این هدیه غیرمنتظره مشکوک می‌شود و از کلاغی که هر روز دیدارش می‌آمد، می‌خواهد که نان را به جایی ببرد که دست هیچ انسانی به آن نرسد. در ابتدا، کلاغ از حمل نان زهرآلود با متقارش اجتناب می‌کند. اما در نهایت، به درخواست قدیس، نان زهرآلود را به جایی امن منتقل می‌کند (URL11).

در اشعیا^{۴۲}: ۱۱، کلاغ را به‌عنوان یکی از موجوداتی نام‌برده می‌شود

بومی آمریکا با افسانه‌ها و داستان‌های مختلفی عجین است. هر جنبه‌ای از زندگی از هستی تا مرگ حکایات و داستان‌های مربوط به خود را دارد. اغلب قبایل بومی آمریکا در داستان‌ها و حکایات خود مشترک هستند. در اکثر داستان و حکایت‌های فرهنگ بومی آمریکا، کلاغ به عنوان خالق زندگی شناخته می‌شود. اما در اغلب آن‌ها نیز کلاغ به عنوان شخصیتی فریبکار و حریص نیز معرفی شده است که کارهایش را بر اساس خودخواهی‌های خود پیش می‌برد اما در عین حال او به دنبال تعلیم درس‌های زندگی نیز است. بنابراین قبایل آمریکا، چون از او می‌آموزند، او را مورد ستایش قرار می‌دهند (URL15).

در حالی که افسانه‌های بومیان آمریکای زیادی وجود دارد که در آن‌ها کلاغ به عنوان یک فریبکار ظاهر می‌شود، اما تعداد بسیار کمی از آن‌ها کاملاً منفی هستند. در واقع، در بسیاری از داستان‌ها، کلاغ‌ها بسیار چابک و متمدنند. کلاغ علاوه بر نقش معلم و رهبر برای سایر جانوران، هوشمند است و می‌تواند خالق جهان و خورشید و حیات محسوب گردد. در این جایگاه، کلاغ دیگر نمادی از مرگ و نیستی نیست بلکه وظیفه ایجاد حیات و رهبری و آموزش را در جهت حفظ بقای انسان‌ها برعهده دارد. (Bukowick, 2004, 26)

قبایل سرخپوستی متعددی هستند که به کلاغ اعتقادی نمادین داشته و در داستان‌های فولکلورشان نقش ناجی و راهنما را برعهده دارد. به عنوان مثال در افسانه آفرینش این کلاغ است که نور را با کلک و تیزهوشی از پیرمردی حریص که آن را در انحصار خویش درآورده، می‌رباید و به همه موجودات تقدیم می‌کند (صفری، ۱۳۸۸، ۴۴-۴۵). و یا در افسانه کلاغ رنگین کمان، اوست که داوطلب نجات موجودات از یخبندان و نابودی می‌گردد و به بهشت رهسپار می‌شود و آتش را از جامو کائونگ^{۲۳} (خدای آفریننده سرخپوستی)، می‌گیرد و زمان برگشت، آتش کم کم پره‌های کلاغ را می‌سوزاند و اویی که زمانی زیباترین پرندۀ جنگل و خوش صداترین آن‌ها بود به کلاغی سیاه و بدآهنگ تبدیل می‌گردد (URL16). همان‌طور که دیده می‌شود، در فرهنگ بومیان آمریکا، کلاغ موجودی با اهمیت است و اغلب با تحول، هوش، سازگاری و ارتباط با دنیای معنوی همراه است (URL13).

کلاغ در مهمانی عصرانه نیز به مانند کلاغ‌های افسانه‌های فولکلور سرخپوستی نقشی محوری برای انسان (هستی) بازی می‌کند؛ اوست که بر ایستایی دیگر عناصر اثر، فائق آمده و اثر را تعادل می‌بخشد. همچنان که کلاغ افسانه‌های فولکلور سرخپوستی، این نقش نجات بخش و فعال را با تعامل با دیگر عناصر داستانی بازی می‌کند.

تفسیر شمایل‌شناسانه

در تفسیر شمایل‌شناسانه، از طریق معانی نمادها به معنی‌های درونی‌تر دست‌یافته می‌شود. در این سطح لایه‌های پنهان ذهن و مقولات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی موثر را باید جست‌وجو کرد. اصول ناخودآگاهی که در نگاه‌های یک قوم، طبقه اجتماعی، مذهب و نگرش‌های فلسفی یک ملت ریشه دارند (مایر، ۱۳۹۶، ۳۰۶).

آندره آکوچ نیز به لایه‌های پنهان در آثار خویش اذعان دارد: «همیشه آثارم، تنش و دلهره ظریفی را به دوش می‌کشند. با ایجاد این فضا درصدم هستم که درهای تفسیر را برای مخاطب باز بگذارم؛ تا از دریچه تجربیات منحصر به فرد خویش به کنه آثار پی ببرم هر چند که تجربیات شخصی من

که در زمانی که همه مردم کشته می‌شوند، آن‌ها زنده مانده‌اند. این آیه یادآور می‌شود که مانند این جانوران، می‌توان با صبر و تلاش به بقا و حیات ادامه داد و تسلیم نشد. در مسیحیت، کلاغ‌ها به عنوان نمادی از مرگ و میر در نظر گرفته می‌شوند، به همین دلیل است که گاهی اوقات به عنوان یک فال برای مرگ یا یک نشانه شیطان‌ی دیده می‌شوند. بسیاری از فرهنگ‌ها آن‌ها را به عنوان فاجعه‌آور می‌دانستند، اما بیشتر آن‌ها را نماد مرگ می‌دانستند (URL12).

همان‌طور که در مطالب بالا آمد، نگرش‌های منفی، در کنار خصوصیات خوب کلاغ در متون ادبی و دینی وجود دارد. و نوعی جدایی انسان از حیوان (کلاغ) به صورت واضح دیده می‌شود؛ اما در اثر مهمانی عصرانه نه تنها این نگاه منفی وجود ندارد بلکه به واسطه نوع ترکیب بندی اثر، و رنگ‌گذاری علی‌رغم تفاوت فیزیکی انسان و کلاغ و به واسطه تعامل زن با کلاغ‌ها، نوعی انسجام و هماهنگی در آن به چشم می‌خورد که خبر از نگاه متفاوت هنرمند بر این نماد می‌دهد و مخاطب را کنجکاو می‌سازد که در پس پرده این اتفاق، چه جریانی برقرار است؟ نگرش متفاوت کوچ به کلاغ با افسانه‌ها و داستان‌های فولکلور سرخپوستی سرزمینی وی همخوانی دارد (URL6) کلاغ‌ها در اثر مهمانی عصرانه ایجازگونه، به مانند دیگر عناصر اثر بار نمادینی را به دوش می‌کشند، دقیقاً شبیه نحوه استفاده افسانه‌های فولکلور بومی آمریکا از شخصیت‌های حیوانی برای نمایش احساسات و مفاهیم معنوی (URL13).

داستان‌های فولکلور ریشه در عقاید و باورهای مردم دارند. وظیفه اصلی این داستان‌ها، انتقال افکار، باورها و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. توت‌میسسم^{۲۴} نیز از ادیان و باورهای باستانی و ماقبل تاریخی نشأت می‌گیرد که به عنوان یکی از ادیان اولیه و آغازین بشر تلقی می‌شود. توت‌میسسم، به گیاهان و حیوانات تقدس می‌دهد و بر اساس این باور، زندگی و معاش انسان از ابتدا تشکیل می‌شود و نظم می‌یابد. در برخی از داستان‌های سنتی، می‌توان به ردیاهای اساطیر، ادیان و باورهای باستانی پی برد. این اساطیر و باورهای باستانی به صورت پنهانی حضور دارند (محسنی و ولی زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۵).

افسانه‌های اولیه قبیله‌ای، مربوط به کهن‌الگوهایی است که تغییر یافته‌اند. آن‌ها دیگر از ناخودآگاه گذر کرده و با توجه به سنت‌ها آگاهانه نقل می‌گردند. ترس‌ها و نگرانی‌های بشری در طول سالیان تبدیل به اساطیر هر سرزمین گشته‌اند. کلاغ نیز به واسطه منابع غذایی یکسان با انسان، هر دو در حال رقابتند به همین دلیل دیدگاه‌های منفی از نظر نمادین به او قابل درک است. کلاغ هزاران سال است که به عنوان نشانه‌ای از شر و مرگ به ویژه در فرهنگ اروپایی و آمریکایی استفاده می‌شود. برخلاف دیگر فرهنگ‌ها که نسبت به کلاغ احترام بیشتری قائلند اما با این حال، در اروپا کلاغ را نمادی از شر می‌دانسته‌اند (Bukowick, 2004, 21).

کلاغ‌ها به واسطه هوش بالا با بازی دادن موجودات اطراف به خصوص انسان‌ها، به اهداف خویش می‌رسند. این رفتار آن‌ها بارها در داستان‌ها و ادبیات فولکلور مورد استفاده قرار گرفته است و او را به عنوان موجود مکار و حقه‌باز و زیرک در اسطوره‌ها جای می‌دهد (URL14).

کلاغ یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فرهنگ بومی آمریکا به شمار می‌رود. و از او به عنوان خالق نور و هم‌چنین فریبکار یاد می‌شود. فرهنگ

در آثارم به نمایش درآمده‌اند» (URL17).

موضوع محوری هنرهای تجسمی در دیترویت میشیگان، کار است. که از میان آنها، کشاورزی حضور پررنگ دارد (URL18). از سویی دیگر، دیترویت یکی از شهرهایی است که در مقابل بلایای طبیعی، ضررهای زیادی متحمل گشته است. در این راستا به منظور بهبود وضعیت اقتصاد منطقه، برنامه‌ریزی شهری، دست به احیای هنر منطقه‌ای و هم‌چنین تشویق هنرمندان به استفاده از نمادهای منطقه‌ای خویش نموده‌اند (URL19). یکی از موسساتی که در این راستا فعال می‌باشد، کالج هنرهای خلاق محل تحصیل و کار آندره‌آ کوچ است. آندره‌آ کوچ، نقاشی است که در اثر مهمانی عصرانه نیز می‌توان شاهد تصویرسازی‌هایی از مناظر آمریکایی دوران گذشته و هم‌چنین تجسم‌هایی از شرایط انسانی که در بی‌زمانی هستند، بود. کوچ در این اثر به دنبال ایجاد ارتباط بین تجربیات انسانی و اسرار جهان طبیعت است و مناظر خالی و دورافتاده‌ای که در پس‌زمینه شخصیت‌های اثرش قرار دارند، به بررسی قداست طبیعت و بازتابی از روح انسانی عمل می‌کنند، نمادی از قدرت، آسیب‌پذیری و جاودانگی. وی تأثیرپذیری خویش از سرزمین مادری در آثارش را این‌گونه بیان می‌دارد:

«به‌عنوان یک انسان، همه‌گی ما یک موضوع مشترک به نام وطن داریم، که ممکن است با تغییرات مدرنیته مکان‌هایی از آن به‌دست فراموشی سپرده شده باشد، می‌خواهم حس احترام به بخشی از تاریخ سرزمینم را برانگیزم» (URL20). یکی از نکات بارز اثر مهمانی عصرانه، استفاده از این نمادهای سرزمینی برای ایجاد فضایی جادویی است به منظور فروردن مخاطب در فضایی عمیق و ماورایی است (URL21). که کلاغ در ایجاد این فضا، نقشی پررنگ ایفا می‌کند. او در این اثر مخاطب را به پیامی عمیق و پنهانی رهنمون می‌سازد. که از روایت‌های سطحی نقاشی فراتر می‌رود. (URL22).

کلاغ در آمریکا، خصوصاً در کشاورزی نوعی آفت به‌شمار می‌رود. کلاغ‌ها در دسته‌های بزرگ پرواز می‌کنند، آنچنان که با پرواز دسته جمعی آنها، آسمان تیره می‌گردد. هم‌چنین این پرندگان در پاییز و زمستان، به منظور گرما و تغذیه، به خانه‌ها پناه می‌برند. خلاصه کلام اینکه، آنچنان هجوم کلاغ‌ها به باغات و زمین‌های کشاورزی و خانه‌ها، سهمگین است که شکارچیان کلاغ در آمریکا به صید آن‌ها می‌پردازند (URL23). آندره‌آ کوچ نظری متفاوت درباره کلاغ‌ها دارد و خشنودی خویش را از حضور آن‌ها این‌گونه بیان می‌دارد:

... کلاغ‌ها از جمله زیباترین پرندگانی هستند که به اشتباه مورد ترس و

نفرت واقع شده‌اند، علاقه و توجه من به کلاغ‌ها از شیفتگی من نسبت به فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و معنوی سرخپوستان آمریکاست. زمان‌هایی بود که در اوج ناامیدی با زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کردم، کلاغ‌ها با حضور داتمشان هر بار الهام‌بخش و نوید راهی جدید برایم بودند. آنها، برایم حامل نیروی ماورای مثبتی زیر رنگ سیاهشان بوده‌اند. برخلاف دید عامه نسبت به رنگ سیاهشان، برای من این رنگ نوید بخش یک مبارزه در دل تاریکی و سرانجام پیروزی می‌باشد. آن‌ها به من بیداری معنوی و هم‌چنین شهامت رویه‌رو شدن با ناشناخته‌ها را هدیه داده‌اند. حضور یک کلاغ در یک منظره روستایی، نمادی از دگرگونی و راز و رمز

زیبایی و شهودی طبیعی است... (URL6)

ساکنین اولیه دیترویت را سه قبیله سرخپوستی شامل اوجیبوه^{۴۴}

اوتاوا^{۴۵} و پوتاوتومی^{۴۶} تشکیل می‌دادند که هنوز هم بعد از سالیان این سه قبیله در کنار ساکنین جدید دیترویت با ایجاد گروه‌های اجتماعی و آموزشی به توسعه این شهر یاری می‌رسانند (URL24).

عرفان سرخ‌پوستی از نوع عرفان‌های طبیعت‌گرا است؛ به این معنا که شهود در آن، وحدت روح طبیعت و فنای نهایی سالک در نیروی طبیعت است. احترام سرخپوستان به طبیعت از این امر ناشی می‌شود. آنان بر این قائلند که در حد نیاز خود فقط می‌توانند از طبیعت بهره‌مند گردند. تا جایی که وقتی به شکار دست می‌زنند از شکار خود تشکر می‌کنند و استخوان آن را با احترام حفظ می‌نمایند (Duran, 2002, 3).

در باور عرفانی سرخپوستان، طبیعت و هر آنچه متعلق به آن است حامل نیروی ماورایی و گواه خبری از غیب هستند. در باور یک سرخ‌پوست، همه چیز در این دنیا مقدس و یا مقدس‌تر است. ارزش‌های سرخپوستان آمریکایی در هویت کیهانی، هماهنگی فرد با قبیله، قبیله با قبیله خلاصه می‌گردد. این هویت کیهانی در حقیقت هماهنگی با طبیعت و روح جهان هستی است. و ثبات، بی‌زمانی و قابل پیش‌بینی بودن طبیعت، سه اصل در نگاه سرخپوستان برای اعتقاد به ابدیت است. اصول احترام به طبیعت، تحمل رنج و بردباری (رنج خوب و بد) و هم‌چنین احترام به دیگران و عدم مداخله در تصمیمات آنان، اصولی هستند که برای یک سرخپوست غیرقابل اجتناب می‌باشند. عرفان سرخپوستی یک عرفان اجتماعی است که در ارتباط با دیگر اعضای قبیله به وقوع می‌پیوندد. یکی از مصادیق این عرفان اجتماعی، این است که بعد از مراسم رقص آتش هر یک از سرخپوستان به آگاهی خاصی دست یابد، باید آن را به بقیه اعضای قبیله انتقال دهد وگرنه آن آگاهی برای خود او بی‌ثمر می‌گردد (URL25).

نمادها، جزئی جدایی‌ناپذیر از شیوه زندگی و ارتباط بومیان آمریکاست. آن‌ها مظهر چگونگی درک آن‌ها از جهان هستند. نمادها نه‌تنها ابزاری برای انتقال مفاهیم هستند بلکه ابزاری برای بومیان آمریکا برای برقراری ارتباط با یکدیگر و با دنیای طبیعی است که به آن‌ها احترام می‌گذارند. نمادها در طول تاریخ برای ثبت و به اشتراک‌گذاری ایده‌ها، باورها و رویدادها استفاده می‌شده‌اند. آن‌ها ممکن است برای انتخاب جای مناسب برای شکار از نمادهای خاصی استفاده نمایند. بومیان آمریکا یک زبان کامل با نمادها ایجاد کرده‌اند. آن‌ها ابزاری برای ارسال پیام در درون و بین قبایل، بیان عقاید، گسترش اساطیر و توصیف اشیا و جوهر معنوی آن‌ها هستند. علاوه بر استفاده نمادها به‌عنوان یک زبان کاربردی، بومیان آمریکا، هم‌چنین نمادهایی را در سراسر آثار هنری خود برای بیان دیدگاه‌های مختلف در مورد زندگی و هم‌چنین ارتباط با جهان معنوی به نمایش گذاشته‌اند (همانجا).

کم‌تر قبایلی‌ای در آمریکا می‌توان یافت که کلاغ در اسطوره‌ها و افسانه‌های آن حضور نداشته باشد. بعضی از قبایل آمریکا کشف انسان اولیه را که در صدفی پنهان بوده است به کلاغ نسبت می‌دهند. در قبایل دیگر خسوف ماه را کار کلاغ می‌دانند. گاهی سارق ماه و ستارگان است و زمانی آفریننده دست و دل‌باز آن‌ها، و معمولاً برای نیل به اهدافش به هر حيله‌ای متوسل می‌شود. سرخپوستان آمریکا، کلاغ را نگهبان قانون مقدس کائنات می‌دانند. در ششمینسم^{۴۷} سرخپوستی، کلاغ، نمادی از ارواح هدایت‌گر است که نوید تغییر است. در باور سرخپوستان، آگاهی

اساطیری مربوط به سرخپوستان مربوط به قبیله تلینگیت^{۵۳} است که قائل بر این امرند که نگاه کلاغ به فقرا همانند نگاه عیسی مسیح برای فقرا است که آن‌ها را به دیده همدردی می‌نگریست (Bierhorst, 1985, 25).

کلاغ‌ها در اثر مهمانی عصرانه (تصویر شماره ۵) نمایندگان طبیعتند. صورت بی‌تفاوت زن، علی‌رغم دفاع وفادارانه سگش در برابر یورش کلاغ‌ها، می‌تواند نشان از تسلیم و عدم مقاومت در برابر کلاغ‌ها و به نوعی طبیعت باشد. آن‌ها با حرکات پویا و پرواز و هجوم از هر سو به زن، وی را به سوی چیزی فراتر از ایستایی فعلی خویش سوق می‌دهند. هم‌چنین تضاد رنگ سیاه کلاغ با دیگر عناصر اثر، انسجامی پویا در اثر ایجاد نموده که اتحاد انسان و طبیعت را به رخ می‌کشد. تصویر زن که پشت به کتابی است که گویا در حال مطالعه‌اش بوده و پذیرایی از یکی از کلاغ‌ها (تصویر شماره ۶) نماینده ارتباط بین انسان و طبیعت می‌تواند باشد که باید از طریق آن، به عالمی دیگر، به روایتی متفاوت و فراتر از خود، دست یابد. بشقاب‌های متعدد دست‌نخورده در سبد نیز، می‌تواند اشاره به آرزوهای زن و آمادگی برای تحقق آن‌ها باشد. که گویی زن با پذیرش این مهمانان ناخوانده می‌تواند در تحقیقشان امیدوار باشد.

در اثر مهمانی عصرانه تصویری جامع از چرخه زندگی و ارتباط بین انسان و طبیعت به نمایش درآمده است. کلاغ‌ها نمایندگانی از قدرت‌های ماورایی هستند که می‌توانند الهام‌بخش انسان‌ها باشند و در مسیر زندگی به عنوان یک راهنما عمل کنند. در واقع، پذیرش حضور کلاغ‌ها توسط زن بازتابی از گشودگی به راهنمایی و خردی می‌باشد که این پرندگان در فرهنگ بومیان آمریکا نماد آن هستند. مهمانی عصرانه اثری هنری است که به مخاطب اجازه می‌دهد که در یک فضای روایی و نمادین غرق شود و از طریق تامل در عناصر مختلف نقاشی، به تفسیرهای شخصی خویش دست یابد. این اثر نه تنها از بعد زیبایی‌شناسی چشم‌گیر است بلکه به عنوان یک متن غنی برای تفسیر و تعمق در موضوعاتی چون ارتباط ماورایی با طبیعت و دریافت راهنمایی از آن و هم‌چنین پیچیدگی‌های تجربه انسانی عمل می‌نماید.



تصویر ۵، مهمانی عصرانه، آندره آکوچ، اکریلیک روی بوم، ۶۱×۹۱ سانتی‌متر. مأخذ: (URL13)

بر طبیعت، اصلی است که بر اساس آن به ارواح دستور می‌دهند. آنان از ارواح برای مقاصد خود مدد می‌جویند و این ارتباط با ارواح در قالب ارتباط با ارواح انسان‌ها، گیاهان، جانوران و اشیاء طبیعی صورت می‌پذیرد. یکی از موارد مهم در عرفان سرخپوستی شفا و درمانگری است. به فردی که این وظیفه را برعهده دارد، شمن^{۴۸} گفته می‌شود (URL26).

به باور سرخپوستان، یکی از ابزارهای مهم یک شمن برای تشخیص و درمان، در میان بال‌های کلاغ سیاه نهفته است. بال‌های کلاغ، قدرت جادویی برای تشخیص و درمان بیماری‌ها دارند. کلاغ‌ها در فضای خالی زندگی می‌کنند و هیچ حسی از زمان ندارند، بنابراین می‌توانند گذشته، حال و آینده را به‌طور هم‌زمان ببینند. آن‌ها نور و تاریکی را، هم درونی و هم بیرونی را با هم متحد می‌کنند. کلاغ، روح بزرگ است و باید با نهایت احترام مورد توجه قرار گیرد. آن‌ها نمایانگر خلقت و قدرت معنوی هستند. رنگ سیاه کلاغ نیز نشان‌دهنده رنگ خلقت و آغاز آفرینش است. خلقت از تاریکی و نیستی با نور ظهور می‌نماید و همیشه، تاریک‌ترین قسمت شب نوید صبح و روشنایی می‌دهد. قبیله کلاغ^{۴۹}، قبیله‌ای سرخپوستی ساکن در مونتانا^{۵۰} آمریکا هستند که کلاغ را یکی از خدایان خود می‌دانند. کلاغ واسطه‌ای بین انسان‌ها با خدای خدایان است (URL14).

کلاغ پیک خدای صاعقه در بین قوم مایا^{۵۱} است. در اغلب باورها کلاغ به عنوان قهرمانی خورشیدی و اغلب به صورت خدا یا پیک خدا، و یا راهنما و یا حتی راهنمای ارواح در سفر آخرتشان ظاهر می‌گردد، احتمالاً این جنبه مثبت نمادین کلاغ به باورهای صحرائنشینان، شکارگران و ماهیگیران و جنبه منفی آن به ساکنین خشکی و کشاورزان مربوط می‌گردد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴ ج، ۵۸۵).

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که کلاغ را به عنوان یک نماد خوب در ذهن جمعی ما جای می‌دهد، حرکات سریع وی در آسمان است و مهارت وی برای فرار از شکارچیان است. آسمان، نمادی از دنیای دیگر و امید به دنیای پس از مرگ است. و این آسمان قلمرو کلاغ است. او به بهشت و خدایان نزدیک است و می‌تواند واسطه‌ای باشد بین ما و آن‌ها و آنجا (Masser, 2016, 13-14).

انتخاب کلاغ به عنوان نمادی مقدس در میان بومیان آمریکا، می‌تواند ریشه در شباهت آن به مرغان اسطوره‌ای مورد پرستش آن‌ها یعنی واکی نیان^{۵۲} (مرغ طوفان) باشد. توصیف ظاهری واکی نیان‌ها، مرغی ست که جامه ابری سیاه رنگی پوشیده است، بدنش بی‌شکل است، ولی چهاربال به هم پیوسته و هیولایی دارد. پا ندارد و به جانش چنگال‌های هیولایی دارد و منقاری بزرگ و تیز و با ردیفی از دندان‌های بزرگ و درنده. سرخپوستان آمریکا معتقدند واکی نیان‌ها اشباح خوبی هستند، زیرا گاهی آدم‌ها را می‌ترسانند اما دوست دارند به آدم‌ها کمک کنند. سرخپوستان آمریکا معتقدند: واکی نیان‌ها برخلاف دیگر موجودات خلاف عقربه ساعت حرکت می‌کنند. آن‌ها جور دیگری می‌بینند. سرخپوستان معتقدند اگر کسی واکی نیان‌ها را در خواب ببیند می‌تواند چهار جهت را به‌طور هم‌زمان ببیند. مرغ طوفان نگهبان حقیقت است (ایرودز و ایریتز، ۱۳۷۸، ۲۹۱). شایان ذکر است که با گذشت زمان بر اساطیر بومیان آمریکا، دیدگاه‌های جدیدی در مورد کلاغ افزوده شده است. به‌طور سنتی، افسانه‌های کلاغ فقط توسط افراد نخبه و برجسته قبایل نقل می‌شد، زیرا فقط آن‌ها زمان لازم برای یادگیری داستان‌ها را داشتند. مدرن‌ترین دیدگاه

این اثر و به‌خصوص کلاغ پرداخته شد. و به شباهت‌های شکلی اثر مهمانی عصرانه آندره‌آ کوچ و اثر زمین‌های زمستانی اندرو وایت تأکید گردید. هم‌چنین برای پاسخ به سؤال دوم این مقاله، تحلیل شمایل‌نگاری به کار گرفته شد و متون ادبی و افسانه‌های فولکلور، هم‌چنین متون دینی را مورد نظر قرار داد. هر چند کلاغ در بیشتر کتب ادبی، دینی دارای وجهی دوگانه از خیر و شر است، اما در داستان‌های فولکلور سرخپوستی، خیر و برکت این نماد بر خصوصیات منفی‌اش غالب می‌شود. و حتی به‌واسطه خصوصیات نه‌چندان خوبش نیز در خدمت هستی است. در این حکایات، کلاغ حامی بشریت است. دلسوز موجودات و ناجی آن‌هاست. او حامل نور و روشنایی است و در اثر مهمانی عصرانه کوچ در تعامل بین انسان و کلاغ این امر را تداعی می‌بخشد و بر تأثیرگذاری افسانه‌ها و داستان‌های سرخپوستی بر مهمانی عصرانه کوچ صحنه نهاده شد هم‌چنین به شباهت به کارگیری نمادین حیوانات به خصوص کلاغ در اثر مورد بحث با سنت داستان‌گویی فولکلور سرخپوستی تأکید گردید. در پاسخ به سؤال سوم این پژوهش، با استفاده از تفسیر شمایل‌شناسی اثر مهمانی عصرانه به تاریخ و پیشینه فرهنگ و هنر زادگاه آندره‌آ کوچ، دیترویت میشیگان حضور واقعی دسته کلاغ‌ها در زندگی مردمان این سرزمین و تأثیر نمادین آن‌ها در اثر مهمانی عصرانه کوچ به‌صورت هجوم کلاغ‌ها به سفره زن حاضر در اثر به‌وضوح قابل مشاهده است و این که به واسطه جهان‌بینی طبیعت‌گرای سرخپوستی منطقه است که بعنوان پرنده راهنما جایگاه والایی برای کلاغ قائل است و این طرز تلقی در اثر مورد مطالعه و هم‌چنین در سایر آثار وی نیز بازتاب یافته است. به‌طوری که بنظر می‌رسد؛ نوع تعامل ویژه زن با کلاغ‌ها مبتنی و تأکید بر وجه مثبت حضور نمادین کلاغ به‌عنوان پرنده‌ای بصیر، خردمند، نویدبخش تغییر، دگرگونی و پویایی است، تازن را از رکود، ایستایی و انزوا بدر آورد.



تصویر ۵. مهمانی عصرانه، آندره‌آ کوچ، اکریلیک روی بوم، ۹۱×۶۱ سانتی‌متر.
مأخذ: (URL13)

نتیجه

پژوهش حاضر، با محوریت قراردادن اثر مهمانی عصرانه آندره‌آ کوچ به نمایندگی دیگر آثار وی، به بررسی مفهوم نماد کلاغ با استفاده از روش شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی پرداخت. در راستای پاسخ به سؤال اول این پژوهش مبنی بر چگونگی ترسیم کلاغ در اثر مهمانی عصرانه از مرحله اول روش شمایل‌شناسی، بهره گرفته شد و به توصیف پیشاشمایل‌نگاری

پی‌نوشت‌ها

35. Macbeth.
 36. Edgar Allan Poe.
 37. Thirteen Ways of Looking at a Blackbird.
 38. Wallace Stevens.
 39. Elia.
 40. Florentius.
 41. Saint Benedict.
 42. Totemism.
 43. Ki Jamu Kaung.
 44. Ojibwe.
 45. Ottawa.
 46. Potawatomi.
۴۷. Shamanism. شمن‌باوران معتقدند که به‌وسیله تماس با ارواح می‌توان بیماری و رنج افراد را تشخیص داد و درمان کرد یا در افراد ایجاد بیماری و رنج کرد. از این دیدگاه شمن‌باوری مانند آیین زار یکی از روش‌های جادوپزشکی است. توان پیشگویی آینده نیز یکی دیگر از باورها در شمن‌گرایان است
48. shaman.
 49. Crow tribe.
 50. Montana.
 51. Maya.
 52. Wakinyan.
 53. Tlingit.

فهرست منابع

- آن باورز، مگی (۱۳۹۹). رئالیسم جادویی. ترجمه سحر رضا سلطانی. نشر: روزنه.
- اخوان اقدم، ندا (۱۳۹۷). هنر ساسانی شمایل‌نگاری یا شمایل‌شکنی؟. کیمیای هنر، ۷(۲۶)، ۸۵-۱۰۳. SID: <https://sid.ir/paper/260665/fa>.
- اتنی شری، عاطفه (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی فرم‌شناسی و نمادشناسی نقوش پرنده بر روی سفال‌های پیش از تاریخ و سفال‌های دوره اسلامی در ایران.

1. Andrea Kowch.
2. Detroit.
3. Michigan.
4. The Birds.
5. Alfred Hitchcock.
6. Erwin Panofsky.
7. Soiree.
8. Bukowick.
9. Susan Michalczyk.
10. Boston College.
11. Truth and Symbolism: Mythological Perspectives of the Wolf and Crow.
12. Akhmatovich Jumayev.
13. Image of crow among German and Uzbek people.
14. Aby Warburg.
15. Ernst Cassirer.
16. Pre- Iconographical description.
17. Iconographical analysis.
18. Iconographical Interpretation.
19. Oxford.
20. Cambridge.
21. Chevalier.
22. College for Creative Studies.
23. Andrew wyth.
24. Winter fields.
25. Magic Realism.
26. Crow's song.
27. Visitors.
28. Animal farm.
29. George Orwell.
30. The Seven Ravens.
31. Brothers Grimm.
32. Aesop.
33. Jean de La Fontaine.
34. William Shakespeare.

search Center, School of Social Work.

Flaherty, T. H. (1992). *The Spirit World*, The American Indians. Time-Life Books.

Koushesh, R., & Moderrisi, F. (2018). مفاهیم رمزی، تمثیلی و نمادین. *Doğu Esintileri* (9). پرنندگان در رباعیات و قصاید عطار

Masser, D. (2016). *Quoth the Raven "Nevermore."* Research paper on *The Raven by Edgar Allan Poe*, <https://www.academia.edu/1-19>. DOI:10.3968/j.sll.1923156320130703.3016

Van Straten, R. (1994). *An Introduction to Iconography: Symbols, Allusions and Meaning in the Visual Arts*. Abingdon and New York.

Whiting, C. (2021). Andrew Wyeth and Birds of War, *Journal of the Association of Historians of American Art*, 7(2). <https://doi.org/10.24926/24716839.12367>

URI 1: Crow. (n.d.). In Oxford English Dictionary. <https://www.oed.com/search/dictionary/?scope=Entries&q=crow>

URI2: Crow. (n.d.). In Cambridge English Dictionary. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/crow>

URL 3: Kowch, Andrea. (2022 May 5). biography, www.andreakowch.com

URI 4: Selene, D. (n.d.). Magic Realism Painter Andrea Kowch: What the Wind Blew. Combustus. <https://combustus.com/magic-realism-painter-andrea-kowch-what-the-wind-blew/>

UR 5: Richard J. Demato Fine Arts Gallery. (2015). Sold Previous. RJD Gallery. https://rjdgallery.com/artist_collections/sold-previous/

URL6: Kowch, A. (2011, December 27). Crow's Song. Andrea Kowch Illustrations. <http://kowchillustrations.blogspot.com/2011/12/crows-song.html>

URL7: Whiting, C. (2021). Andrew Wyeth and Birds of War. Panorama, 7(2). <https://journalpanorama.org/article/andrew-wyeth-and-birds-of-war>

URL8: Richard J. (2015). Andrea Kowch. Biography. <https://rjdgallery.com/artist/andrea-kowch/>

URL9: Grimm Brothers. (1905). The Seven Ravens. Lit2Go. <https://etc.usf.edu/lit2go/175/grimms-fairy-tales/3163/the-seven-ravens/>

URL10: Baldwin, E., (2019, February 19). Thirteen Ways of Looking at a Blackbird by Wallace Stevens. Poem Analysis. Retrieved from <https://poemanalysis.com/wallace-stevens/thirteen-ways-of-looking-at-a-blackbird/>

URL11: Schmalzried, I. (2019, January 22). St. Benedict and the Raven. St. Benedict Catholic Academy. <https://www.stbca.org/st-benedict-and-the-raven/>

URL12: Ellis, S. (2020, October 16). What Do Crows Symbolize in the Bible? CatholicsBible. <https://catholicsbible.com/what-do-crows-symbolize-in-the-bible/>

URL13: Native American Indian Crow Legends, Meaning and Symbolism from the... <http://www.native-languages.org/legends-crow.htm>.

URL14: Ivo Jacobs. (2021 November 25). Promethean beasts. Aeon. <https://aeon.co/essays/how-animal-uses-of-fire-help-to-ill>

هنرهای صناعی ایران، ۲ (پیاپی ۷)، ۱۶۳-۱۷۷.

<https://doi.org/10.22052/hsi.2022.246078.1009>

افضل طوسی، عفت السادات؛ حسن پور، مریم (۱۳۹۱). نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران. *مطالعات ملی*، ۱۳(۱۳۹)، ۱۳۵-۱۶۱. SID. <https://sid.ir/paper/404353/fa>

ایروزد، ریچارد؛ اریتز، آلفونسو (۱۳۷۸). *اسطوره‌های و افسانه‌های سرخ پوستان*. ترجمه دکتر ابولقاسم اسماعیل پور. نشر چشمه.

پارسائسب، محمد؛ معنوی، مهسا (۱۳۹۲). تطور بن مایه «کلاغ» از اسطوره تا فرهنگ عامه. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۱(۱)، ۷۱-۹۲.

SID. <https://sid.ir/paper/509821/fa>

پانوفسکی، اروین (۱۳۹۵). معنا در هنرهای تجسمی. ترجمه ندا اخوان مقدم. نشر چشمه.

تاج‌بخش، اسماعیل؛ فرجی قرانی، آسیه (۱۳۸۸). کلاغ در ادب فارسی. تاریخ ادبیات، ۲(۳)، ۲۹-۴۶. <https://ensani.ir/fa/article/326351>

دستغیب، نجمه؛ ظفرمند، سید جواد (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی نقوش پرندۀ سفالیینه‌های ایران دوره عباسی و سفال‌های چین (مربوط به قرن ۹ میلادی).

نگره، (۳۸)، ۱۰۶-۱۱۸. <https://doi.org/10.22070/negareh.2016.363>

دهقانی، محمد (۱۳۷۱). ادگار آلن پو و شعر کلاغ. *چیستا*، ۹(۶)، ۷۰۱-۷۱۰. <http://noo.rs/i8hdX>

شوالیه، ژان؛ گربران، آلن (۱۳۸۴). *فرهنگ نمادها*. ترجمه سودابه فضاییلی. انتشارات جیهون.

شیخی نارانی، هانیه؛ اسلام دوست، مریم و نظریان، ارنیپ (۱۳۹۵). نشانه - شناسی پرندۀ، کلاغ. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*.

SID. <https://sid.ir/paper/859954/fa>

صدقی، حامد؛ زارع برمی، مرتضی (۱۳۹۳). تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق، براساس اشعار حسن السنید. *فصلنامه علمی انجمن ایران زبان و ادبیات عربی*، ۱۰(۳۰)، ۶۱-۸۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23456361.1435.10.30.4.2>

صفاری، عباس (۱۳۸۸). *کلاغ‌نامه (از اسطوره تا واقعیت)*. انتشارات مروارید. ضیمران، محمد (۱۳۹۲). *گذار از جهان اسطوره به فلسفه*. نشر هرمس.

مایتر، ورنون هاید (۱۳۹۶). *تاریخ تاریخ هنر (سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر)*. ترجمه مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان هنر.

محسنی، مرتضی؛ ولی‌زاده، مریم (۱۳۹۰). بن‌مایه‌های توتیس در قصه‌های عامیانه ایران. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، ۷(۲۳)، ۱-۲۵.

<https://www.magiran.com/p1063691>

مک آرتور، جان (۲۰۲۰). *تفسیر عهد عتیق - مک آرتور*. منتشر شده توسط Grace to you.

نصری، امیر (۱۳۹۱). خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی. *کیمیای هنر*، ۱(۶)، ۷-۲۰. <https://www.magiran.com/p1235171>

هال، جیمز (۱۳۹۸). *کتاب فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. نشر: فرهنگ معاصر.

Akhmatovich Jumayev, Akmal (2021), The Image of The Crow in the German and Uzbek Peoples, *Scientific Reports of Bukhara State University*, Vol 5 (1), 90-100. Doi: 10.52297/2181-1466/2021/5/1/7

Bierhorst, J. (1985). *The Mythology of North America*. William Morrow and Company.

Bukowick, K. E. (2004). *Truth and Symbolism: Mythological Perspectives of the Wolf and Crow* [Master's thesis, Boston College Electronic].

Duran, E. S. (2002), *American Indian Belief Systems and Traditional Practices*, the University of Oklahoma, Evaluation Re-

uminate-human-pyrocognition

URL15: Alois, R. (2020, February 27). Crow Symbolism. Richard Alois. <https://www.richardalois.com/symbolism/crow-symbolism>

URL16: Schlosser, S.E. (n.d.). Rainbow Crow. AmericanFolklore.net. <https://www.americanfolklore.net/rainbow-crow/>

URL17: Jain, Asya. (2019 October 27) <https://byronsmuse.wordpress.com/tag/soiree/>.

URL18: Michigan Folk Art. (2015, May 26). The Michiganographer. <https://themichiganographer.com/tag/michigan-folk-art/>

URL19: Rapson, R. (2014, December). Arts and Culture in Detroit: Central to Our Past and Our Future. Federal Reserve Bank of San Francisco Community Development Investment Review. <https://www.frbsf.org/community-development/publications/community-development-investment-review/2014/december/arts-and-culture-in-detroit-central-to-our-past-and-our-future/>

URL20: Gallagher, Paul .(2021October 20) https://dangerousminds.net/comments/american_gothic_the_magical_realism_of_andrea_kowch

URL21: El Hurgador (2021 May 10) <https://elhurgador.blogspot.com/2021/05/andrea-kowch-i-pintura-painting.html>

URL22: Fine Art Today (2022 June 2) <https://fineartconnoisseur.com/2020/05/figurative-art-symbolic-paintings-andrea-kowch/>

URL23: Brakefield, R. (2014, August 1). Michigan Crow Hunters Gear Up for Opening Day. Current Magazine. <https://www.ecurrent.com/news/michigan-crow-hunters-gear-up-for-opening-day/>

URL24: Ryerson, J. (2020, August 30). Native American history in Detroit. National Park Service. <https://www.nps.gov/articles/000/native-american-history-in-detroit.htm>

URL25: Jocks, C. and Sullivan, . Lawrence E. (2023, June 28). Native American religions. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/Native-American-religion>

URL26: Woolcott, I. (2015, February 8). Eagle: Power Animal, Symbol of Spirit, Vision, and Strength. Shamanic Journey. <https://www.shamanicjourney.com/eagle-power-animal-symbol-of-spirit-vision-and-strength.com>